

## خبر

## زنگنه: ۴میلیارد دلار به ارزش پتروشیمی کشور افزوده می‌شود

**●** **ایرنا:** وزیر نفت گفت: امسال بیش از چهار میلیارد دلار به ارزش پتروشیمی کشور افزوده خواهد شد. به گزارش ایرنا، بیژن نامدارزنگنه روز سه‌شنبه در آیین بهره‌برداری از مجتمع پتروشیمی لرستان افزود: در سال جاری بیش از هشت میلیون تن به تولید پتروشیمی کشور اضافه می‌شود که ازاین‌بین دو میلیون تن متانول کاوه، ۱٫۷ میلیون تن کود اوره، ۱٫۷ میلیون تن پردیس ۲ و یک میلیون تن نیز در بخش واحدهای دیگر است. به گفته وی ظرفیت تولید مجتمع پتروشیمی کویاوند دو میلیون تن است که یک میلیون تن آن اکنون فعال بوده و ظرفیت تولید یک میلیون تن دیگر نیز تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد. وی همچنین با اشاره به اینکه امسال دو مجتمع پتروشیمی کردستان و مهاباد راه‌اندازی می‌شود، گفت: با گشایش این دو مجتمع ۹۶۰ هزار تن به تولید پیل اتیلن‌ها و سایر پلیمرها اضافه می‌شود. زنگنه درباره پتروشیمی لرستان نیز گفت: این مجتمع به صورت صددرد به بخش خصوصی واگذار شده است که ازجمله بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده به شمار می‌شود و ۴۰۰ میلیون دلار ارزش دارد.

## توافق جدید اتاق اصناف ایران با سازمان امور مالیاتی از زبان فاضلی

**●** رئیس اتاق اصناف ایران از تعیین تکلیف برگ قطعی‌های مالیاتی و صدور مفاح‌حساب مالیات مشاغل در کمتر از شش ماه خبر داد و گفت: پیشین‌بینی ما این است که بخش عده‌ای از مطالبات و درآمدهای مالیاتی دولت در کمتر از شش ماه وصول شود.

علی فاضلی در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی اتاق اصناف ایران تصریح کرد: وجه تمایز تفاهم‌نامه مالیاتی امسال اتاق اصناف ایران، با سازمان امور مالیاتی، در صدور مفاح‌حساب مالیاتی مشاغل در کمترین زمان ممکن است. وی افزود این تفاهم‌نامه موجب روان‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و افزایش رضایتمندی سه میلیون بنگاه اقتصادی با بیش از شش میلیون و صد هزار شاغل موجود و احتساب ۲۴ میلیون نفر از جمعیت ایران به عنوان خانواده‌های اصناف خواهد شد.

## ۴۲۰۰میلیارد تومان برای کارت خرید کالا

**●** مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی گفت: چهارهزار و ۲۰۰ میلیارد تومان به صورت مساوی بین سه بانک ملی، صادرات و رفاه تقسیم شده تا به یک میلیون و ۵۰۰ هزارنفر کارت اعتباری خرید کالا ارائه شود.

## ۲۰۰ شورولت به ارزش ۷میلیون دلار برگشت خورند

**●** **مهر:** یک مقام مسئول در وزارت صنعت اعلام کرد: در پی دستور وزیر صنعت، ۲۰۰ دستگاه خودرو شورولت که به ارزش هفت‌میلیون دلار ثبت سفارش شده بودند، در میانه راه به مقصد کره‌جنوبی برگشت خورند. یک مقام مسئول در وزارت صنعت، معدن و تجارت که خواست نامش در خبر ذکر نشود، از دستور رسمی وزیر صنعت، معدن و تجارت برای لغو مجوز واردات ۲۴ مدل خودرو شورولت خبر داد و گفت: با دستور محمدرضا نعمت‌زاده، واردات ۲۰۰ دستگاه خودرو شورولت ثبت‌سفارش‌شده از سوی شرکت متقاضی واردات این خودرو آمریکایی از کره‌جنوبی لغو شد.

| ادامه از صفحه اول                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><b>بعثت‌برای اخلاق</b></p> <p>شعار جاهلیت این بود که ما راه بزرگان و پدران پیشین خود را ادامه می‌دهیم. قرآن کریم این روش غیرعقلانی را محکوم کرد و فرمود: «اولو کان ابابهم لایعقلون شیئا و لایهتدون: اگر پدران و بزرگان شما راهی را که پسند نیست و از عقل به‌دور است برگزینند، شما نیز همان راه را پی خواهید گرفت؟» در بعثت پیامبر ملاک مطلوبیت هر چیزی، عقلانیت است. در جامعهای که دین و اعمال عبادی وجود دارد؛ اما به اخلاق و عقلانیت توجه نشود، مفاسد آن جامعه بیش از مصالح آن خواهد بود. پیامبر این هشدار را داد و فرمود: «قسم ظهري رجلان: عالم متهمك و جاهل و متسك؛ دو کس پشت مرا شکستند، عالمان پی‌روا و دین‌داران نادان». پیامبر در روزهای نخست بعثت که با بدبختی‌های مبارزه می‌کرد و مردم را به خدای واحد می‌پایان داد، مسئله مبارزه با مسکنت، فقر و تفاوت طبقاتی را که در جامعه مکه وجود داشت در کنار تعلیم و برنامه‌های دعوت خود قرار داد. فقر و ناداری در مکتب پیامبر منشأ مفاسد اخلاقی تلقی شد و در تعلیم خود فراتر از آن میزانی که از نماز گذشت از انفاق، زکات و صدقات سخن به میان آورد. به‌کارگیری این واژه‌ها برای تاکید بر این نکته بود که تا مشکلات اقتصادی مردم حل نشود نمی‌توان از توحید سخن گفت. فرمود: «کسانی که برای مبارزه با فقر کاری نمی‌کنند، تکذیب‌کنندگان دین هستند».</p> <p><b>ادامه در صفحه ۷</b></p> |

## اقتصاد

رانی در چهارمین نشست سالانه مرزهای دانش اقتصاد توسعه عنوان کرد

# باید برای ۲ نسل کمربندهارا سفت کنیم

شرق: مسیر توسعه‌یافتگی در

ایران همواره با فرازوفرودهای فراوانی روبه‌رو بوده است. وابستگی به درآمدهای نفتی با به‌تعبیری پدیده نفرین منابع، همواره این اقتصاد را کوچک نگاه داشته و فرصت رشد را به آن نداده است. البته به گفته برخی از اقتصاددانان، همین امر سبب شده تا مردم ایران همواره به

دلیل آسودگی‌خاطر از وجود این منابع و امکان توزیع آن از سوی دولت‌ها، کمی تنبل شوند. حال در چهارمین نشست سالانه مرزهای دانش اقتصاد توسعه که به مناسبت سیزدهمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی با محور «نهادها، اشتغال مولد و رشد باکیفیت» در دانشگاه اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبایی برگزار شد، پنج اقتصاددان برجسته کشور به بررسی روند توسعه در ایران از منظر اشتغال مولد پرداختند که چکیده‌ای از آن در پی می‌آید.

**رواج فعالیت‌های نامولد، نتیجه بی‌توجهی به اصول اقتصاد**

**عباس شاکری، رئیس دانشسکده اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبایی**

حسین عظیمی معلمی بزرگ بود و کلاس‌های درس او در کنار وجه آموزشی، وجه تربیتی نیز داشت. او در اقتصاد، استاد بود و بر مباحث اقتصاد احاطه کامل داشت. او مفاهیم اقتصادی را خوب فرا گرفته بود و خوب تدریس می‌کرد، گرچه در دستگاه‌های اجرائی و سیاست‌گذاری و در نهادهای برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی موردمهر قرار نگرفت. البته او در دستگاه‌های اجرائی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، از سوی افرادی که عمدتا عظیمی را می‌شناختند و به علم و آگاهی او معتقد بودند، مورداحترام بود اما از تفکرات او استفاده نشد. طبعی هم است: الان اگر می‌بینیم قاچاق، فعالیت نامولد، انحصارهای مالی و تجاری، خصوصی‌سازی که به انحصار تبدیل شد و... رواج یافته است و اگر با هر تولیدکننده‌ای مواجه می‌شویم کلی دغدغه و محدودیت دارد. نتیجه همان رفتارها و سیاست‌هایی است که بدون توجه به اصول اقتصاد اجرائی شده است. گویی طوری ریل‌گذاری کردیم، حتی در برنامه‌ریزی، که اقتصاد باید به این سمت برود. به قول دوستان، مثلثی تشکیل شده از دولت رانتی و کونه‌نگر، دستگاه‌های منفعت‌طلب نامولد و تحلیلگران همراهِ. امثال عظیمی بسیار نیستند اما همین تعداد هم آن‌گونه که شایسته بود، در راهبری اقتصاد جای نگرفتند. تحلیل‌های اقتصادی به شناخت مفاهیم اقتصادی نیاز دارد و افراد باید به معنای واقعی کلمه اقتصاد خوانده باشند تا برای دردهای اقتصادی، درمان مؤثر تجویز کنند. اگر مسئولان با علمی که نخونده‌اند، مسائل اقتصادی را تفسیر می‌کنند و به نگرش‌های نادرست، بیشتر بها می‌دهند، بحث دیگری است اما ماندگاری این وضعیت که عدم تعادل‌ها به جای تضعیف، تقویت می‌شوند، بی‌کاری به جای روشن‌ترشدن چشم‌اندازش، مکررتر می‌شود، نقدیگی قابل‌کنترل نیست و گویی یک روند افزایشی خودافزایی را به خود گرفته است. فعالیت‌های نامولد، قاچاق و انحصارهای مالی و تجاری فراوان شده است. این اقتصاد با نرخ بهره ۲۶ و ۳۰ درصد می‌خواهد از رکود خارج شود. اگر جایگاه انحصارهای مالی در اقتصاد و نقش آنها را در این عدم تعادل‌های که ایجاد شده است، تحلیل کنید، می‌بینید که چقدر تحلیل‌های صحیح و مبتنی بر مفاهیم اقتصادی و البته با لباس تأثیرات سیاسی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و تاریخی می‌تواند کارساز باشد. نقش مرحوم دکتر عظیمی این بود که حداقل این مسیر و رویه فکری را ایجاد کرد و جلساتی که پس از درگذشت ایشان به صورت منظم برگزار می‌شود، نیز گواهِ بر همین است که طرز فکر ایشان و تحلیل‌های مناسب و درست در جامعه قوت می‌گیرد. اگر تحلیل، آسیب‌شناسی، مشاوره و سیاست‌گذاری مبتنی بر مفاهیم پایه اقتصاد و دانشی که از تعامل قلمرو اقتصاد و دانش‌های اجتماعی حاصل می‌شود نباشد، راه به جایی نمی‌برد و نمی‌تواند کاری برای ما از پیش ببرد.

**دستور سرمایه‌بس برای اقتصاد محسن رانی، اقتصاددان**

مفاهیم رشد، پیشرفت و توسعه در جامعه ما تفکیک نشده است و در کلاس سیاست‌گذاری بین اینها تفاوتی دیده نمی‌شود. رشد یعنی تکثیر اقتصادی و تولید موجود؛ مانند کارخانه‌ای که با امکانات قبلی، وضع خود را افزایش دهد. پیشرفت یعنی تکثیر عمودی وضع موجود؛ مانند کارخانه‌ای که خط تولید خود را ارتقا و به‌الحاظ کیفی، تولید را افزایش دهد. در دل توسعه، رشد و پیشرفت هم هست؛ این دو گرچه شرط لازم هستند اما کافی نیستند. توسعه در کارخانه‌ای، برای رشد و پیشرفت مثال زدم، وقتی اتفاق می‌افتد که نظام مدیریت، سطح دانش، مناسبات درون‌سازمانی و... عقلانی شود. رشد یعنی ساخت فرودگاه، پیشرفت یعنی دستیابی این فرودگاه به دانش فنی روز و توسعه یعنی اینکه مناسبات، سازوکار و اخلاق در این فرودگاه تغییر کند.

توسعه دو بُعد دارد. محصول بُعد رفاهی و اقتصادی آن، رفاه و محصول بُعد رفتاری و فرهنگی آن، رضایت است. رفاه با غلبه بر محدودیت‌های طبیعی به دست می‌آید و رضایت با غلبه بر محدودیت‌های اجتماعی. شاید شما خودرو پیشرفته‌ای داشته باشید و در آن احساس رفاه کنید اما وقتی رفتار دیگر رانندگان عقلانی نباشد، هرگز به رضایت نمی‌رسد.

ما تاکنون به ساخت جاده، فرودگاه، کارخانه، پتروشیمی، دانشگاه و... مشغول شده‌ایم که رفاه تولید کنیم. در آموزش عالی تمرکز ما بر تولید مدرک بوده است. برای تولید انسان‌هایی که بتوانند یک جامعه شرافتمند ایجاد کنند، سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم. بُعد رفاهی و فیزیکی توسعه، ابتدا به سرمایه اقتصادی و سپس به سرمایه انسانی نیاز دارد اما بعد دوم توسعه، نیازمند سرمایه‌های اجتماعی و نمادین است. این دو سرمایه در همه اسناد رسمی توسعه کشور ما مغفول بوده است. سرمایه نمادین اصلا نبوده و سرمایه اجتماعی هم فقط یک بار در برنامه چهارم توسعه و آن هم توسط مرحوم دکتر عظیمی وارد شده است که اینک ۱۳ سال از درگذشت او می‌گذرد.

بعد اول توسعه، مدرنیزاسیون است؛ یعنی امکانات به‌وفور در جامعه تکثیر می‌شوند و سطح رفاهی افزایش می‌یابد. اما بعد دوم توسعه، مدرنیت است که در سال‌های گذشته ضداورزش تلقی می‌شد. باید جدی‌تر به مدرنیت بپردازیم. مدرنیت ما را به رفتار عقلانی و منضبط می‌کند و تعامل و هوش اجتماعی ما را افزایش می‌دهد؛ بدون اینها نمی‌توانیم توسعه پیدا کنیم. در نظام معیشتی سنتی تولید شخصی بود و تولیدکنندگان به هم وابسته نبودند اما در دنیای مدرن، تولیدکنندگان به هم ربط دارند و زندگی افرادی که در یک نظام و اجتماع هستند، به هم گره خورده است. مردم با هم ارتباط پیدا می‌کنند و اگر نتوانیم اینگونه مناسبات و تعامل‌ها را مدیریت کنیم، ارتباطات اقتصادی به هم می‌ریزد. در دنیای مدرن اگر بخواهیم ارتباط اقتصادی داشته باشیم، باید به عقاید دیگران احترام بگذاریم و

خود را مستقل از جهان ندانیم. اگر سازوکار عقلانی جایگزین سازوکار عاقلی نشود، مناسبات متحول نمی‌شود، سرمایه از این کشور فرار می‌کند و تولید نمی‌تواند محور توسعه شود. چرا؟ در کشوری که دستور دو رئیس‌جمهوری آن برای به‌خاک‌سپاری یک ایران‌شناس معروف در ساحل زاینده‌رود، توسط ۱۰ نوجوان زیر پا گذاشته شود و فراموش می‌شود، مگر می‌شود تولید محور توسعه شود. ما رشد و پیشرفت داشته‌ایم اما توسعه خیر. تحول رفتاری رخ نداده است. اگر جایگزینی قانون به جای ایدئولوژی و مناسبات شخصی رخ ندهد، وجه اول توسعه پرهزینه می‌شود و تا زمانی ادامه می‌یابد که چاه نفت داشته باشیم. هزینه پیشرفت ابتدا بااست، چون باید زیرساخت‌هایی ایجاد شود. بعد از مدتی در طول زمان هزینه پیشرفت کاهش می‌یابد، به شرطی که هم‌زمان تحول فکری و فرهنگی نیز در رفتارها رخ دهد. در این صورت افق بلوغ توسعه را خواهیم دید. اگر تحول فرهنگی رفتاری رخ ندهد، هزینه پیشرفت دوباره بالاتر می‌رود و توسعه وارد دام کودکی می‌شود. یعنی جامعه پیشرفته است اما رفتارها و خلیقات آن هنوز کودکانه است. از دیگر سو اگر تحول پیدا نکنیم، از یک جایی به بعد دیگر نمی‌توانیم به همین پیشرفت عادی هم برسیم، چون بسیار پرهزینه می‌شود.

ما از فقر توسعه در دام کودکی توسعه گرفتار شده‌ایم. تحول فناوری ما را دچار سرگیجه کرده است در نتیجه مثلا ما به اندازه آمریکا که اقتصادش ۴۰ برابر ماست، مهندس تولید کرده‌ایم یعنی فقط به پیشرفت فکر کرده‌ایم نه توسعه. آموزش و پرورش می‌تواند تحول کیفی را که لازمه توسعه است، رقم بزند. بر اساس آمارهای رسمی، سهم آموزش و پرورش در بودجه ۸۷ بالغ بر ۱۲ درصد و سهم وزارت دفاع ۱۱درصد بوده است. در لایحه بودجه ۹۵ سهم آموزش و پرورش به ۱۵ درصد رسیده و سهم وزارت دفاع به ۱۹ درصد افزایش یافته است. روان‌شناس می‌گویند کودک فقط تا هفت‌سالگی تغییر می‌پذیرد و بعد از آن فقط تا ۱۸ سالگی تأثیرپذیر است و بعد از آن تابع جمع‌بندی خود قرار می‌گیرد. ۴۰ سال است دنیا فهمیده که بذر توسعه باید قبل از هفت‌سالگی، در ذهن کودک کاشته شود. آنها در کلاس‌های ناشکی، کاردرستی و ورزش تمام آنچه برای توسعه مورد نیاز است را به کودکان می‌آموزند درحالی‌که در کشور ما عملا کودک تا هفت‌سالگی چیزی یاد نمی‌گیرد و پس از آن هم فقط مغزشان را آموزش می‌دهیم بدون اینکه توانایی زیستی داشته باشند. این می‌تواند خطرناک هم باشد.

ما در ایجاد اصلی‌ترین ابزار توسعه ناتوانیم. برای دو نسل باید کمربندها را سفت کنیم. باید دستور سرمایه‌بس برای اقتصاد صادر کنیم، همین حالا هم ظرفیت شهرک‌های صنعتی ما چهاربرابر ظرفیت اقتصاد کشور است. سرمایه‌ها را باید صرف آموزش کودکان دو نسل بعدی کنیم. مانند کشورها توسعه‌یافته برنامه‌ریزی برای توسعه را باید از زمان

## اقتصاد

رانی در چهارمین نشست سالانه مرزهای دانش اقتصاد توسعه عنوان کرد

# باید برای ۲ نسل کمربندها را سفت کنیم

جنینی کودکان شروع کرد، شاید دوره‌ای برسد که

تصمیم بگیریم فرزندانمان را به مدرسه‌های فعلی و نظام آموزشی فعلی نسپاریم. پول‌هایی را باید از وزارت دفاع و اقتصاد بیرون بکشیم و به آموزش اختصاص دهیم. ما تا وقتی به توسعه کودکی پای نگذاریم، در کودکی توسعه فرومی‌ماند.

**درباران، «کار» مبنای قدرت نیست حسن طائی، مشاور وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی**

اگر به چرخه اقتصادی کشورها نگاه کنیم، همه اقتصادها کمابیش کارگزاران اقتصادی، عوامل، بازار و... دارند که محاط در محیط بزرگ‌تری به نام سپهر زیستی هستند که از عناصر سپهر دانایی اقتصادی و سیاسی شکل گرفته است. آنچه کشورها را از یکدیگر متفاوت می‌کند، نگرش و حکمرانی است که بر این چرخه حاکم است. بلااستثنا همه کشورها از دولت کار به دولت رفاه رسیده‌اند. اگر رفاه و توسعه را هدف غائی این تأملات و تلاش‌ها در نظر بگیریم، همه دولت‌ها ابتدا به دولت کار روی آوردند. آنچه می‌توانیم در مورد توسعه مغرب‌زمین و حاشیه جنوب شرقی آسیا بیان کنیم، این است که همه این کشورها دولت کار شومپیتری یعنی حکمرانی مبتنی بر تلاش و دانش را مدنظر قرار داده‌اند تا از پس این، به توزیع آنچه حاصل شده بود، روی آورند. در واقع روش توزیع‌گراییانه دولت رفاه کینزی بعد از آلکوی آسناسی کار به دست آمد. رویکرد دولت کار به منابع انسانی یا قابلیت‌ها، تاکید بر بهبود دانش و تخصص، تجربه و مهارت، توان و تکاپو، امید و خلاقیت جویندگان کار از طریق گسترش کسب‌وکارها در همه مقیاس‌ها شکل می‌گیرد. کارورزی و کار داوطلبانه نیز در این دسته قرار می‌گیرد.

دولت کار رویکرد دیگری نیز دارد. این دولت بر گسترش آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای تاکید دارد. در دولت کار، انسان‌ها به‌مثابه یک بنگاه چندمحصولی هستند که با سرمایه‌گذاری بر خودشان، توانایی خود را به‌منصه‌ظهور می‌رسانند. در واقع این ظرفیت‌های اکتسابی حاصل‌شده، امر جزئی نیست و می‌توانند ساختار درآمدها و دستمزدها را تغییر دهد و سهم عوامل تولید را از ارزش‌افزوده بکلی دگرگون و وارد عرصه‌ای کند که انسان‌ها محور توسعه باشند.

در واقع دو نوع حکمرانی وجود دارد: حکمرانی مبتنی بر تلاش و دانش که همان دولت کار شومپیتری است و دیگری حکمرانی مبتنی بر توزیع و رفاه که دولت رفاه کینزی را به ارمغان می‌آورد. آنچه در نگرش دولت کار شومپیتری به رفاه کینزی تفاوت دارد، در مقایسه با آنچه در دولت رفاه کینزی مطرح می‌شود، همین نکته است. انسان‌هایی که در این دو نظام قرار می‌گیرند، با یکدیگر بسیار متفاوت‌اند. اگرچه نگرش دولت رفاه کینزی و دولت کار شومپیتری هر دو به‌نوعی دخالت دولت را دیکته می‌کنند، اما بسیار از یکدیگر متمایزند. دولت کار بر تلاش و خلاقیت و ارتقای قابلیت انسان تاکید دارد اما دولت رفاه، نگرشی توزیع‌گراییانه دارد.

ما نیز برای بهبود رویکرد اجتماعی و اقتصادی خود، برای خروج از دام تعادلی سطح پایین که گرفتار آن شده‌ایم، قطعا باید نوع نگاهمان را به انسان و نگرش سیاست‌گذاران را از دولت رفاه به دولت کار تغییر دهیم. باید به دولت کار سهیلگر، کاردوست، توانمندساز و کارآفرین و حامی بخش‌های مولد، تغییر جهت دهیم. چنین تغییر دیدگاهی باید در سطح کلان مورداجماع قرار گیرد. اما در کمال بهت و حیرت، از سوی مجلس یک روز به روزهای تعطیل کشور افزوده شد. ملتی که در حاشیه تاریخ زندگی می‌کند، هیچ‌گونه فرصت فرجام‌خواهی برای اینکه به تاریخ بگوید چرا توسعه نیافته‌ام، نخواهد داشت.

به‌طور کلی تاکید بیش از اندازه دولت‌ها بر درآمدهای نفتی و اتخاذ تدابیر توزیع‌گراییانه و توزیع گسترده باارائه‌ها و ارائه سوبسیدهای غیربهدمند در میان سیاست‌گذاران ایران در قبل و بعد از انقلاب، در بین گروه‌های سیاسی مذهبی، چپ، راست، رویکرد دولت رفاه بوده است. اینجا کسی به تولید نمی‌اندیشد، همه بر محور توزیع، قدرت را می‌طلبند. از یکی از مقامات ارشد پرسیدم چرا در ایران هیچ دولتی از کار صحبت نمی‌کند و همه گروه‌ها و اشخاص دنبال توزیع هستند؟ پاسخ دادند: «چون در ایران کار، مبنای قدرت نیست». در اینجا بارانه دولت کینزی هست نه کارانه دولت شومپیتری. این نگاه و نگرش مقامات ارشد نظام‌ها، ایران را وارد عصر جدیدی کرده است که باید گفت: «عصر اولویت همه چیز بر تولید». از تبعات چنین رویکردی، فرهنگ کار ضعیف، بهره‌وری نیروی انسانی و کل اقتصاد، درآمدهای اندک، تنزل سرمایه‌گذاری و حجم تولید ناخالص داخلی پایین و کندی رشد است.

## بورس

## با هدف حمایت از بازار سرمایه شاخص‌سازی در بورس عادت شد



**●** روز گذشته شاخص کل بورس تهران پس از ۲۴۱ واحد نزول، در عدد ۷۸ هزار و ۴۴ واحد آرام گرفت. البته اگر معاملات هدف‌دار بلوکی در نمادهای مخابرات، بانک ملت و برخی نمادهای دیگر نبود، باید شاهد افتی بیش از این بودیم. نمادهای اخبار و وبملت بیشترین تأثیر مثبت و نمادهای شبنندر، شپنا، فارس و مینا بیشترین تأثیرات منفی بر شاخص را داشتند. متأسفانه عادت نامبارک و غیرحرفه‌ای شاخص‌سازی در بازار سرمایه ایران به امری عادی تبدیل شده و به بهانه حمایت از بازار در واقع از شاخص حمایت کرده و این کار نمونه بارز دست‌کاری در این نامکر مهم است. روز سه‌شنبه شاخص کل هم‌وزن که صادق‌تر از همتای خود عمل می‌کند، افزایشی ۲۵ واحدی را ثبت کرد و ارزش کل معاملات بورس بالغ بر چهارهزار و ۹۴۷ میلیارد ریال بود. روز گذشته حجم و ارزش معاملات گروه خودرو و به‌وضوح بیشتر از سایر گروه‌ها بود، اگرچه با گذشت زمان، روند منفی کلی بر خودرویی‌ها حاکم شد. ولی در محدوده منفی شاهد تقاضای مناسبی بودیم. گروه پالایشگاهی پس از کاهش قیمت نفت در محدوده منفی معامله شدند و گروه‌های معدنی، فلزات و بانک یک کم‌حجم و با افت قیمت به کار خود پایان دادند.

بازار اوراق بدهی، دیروز شاهد عرضه دو هزار میلیارد ریال اوراق اجاره رایتل بود که با نرخ ۲۱ درصد، پرداخت‌های ماهانه و سررسید چهارساله، با استقبال بازار مواجه شد. به نظر می‌رسد عزم دولت برای اصلاح نظام بانکی و ساختار تأمین مالی در کشور جدی است؛ به‌طوری‌که تأمین مالی از طریق بازار سرمایه در سال ۹۴ نسبت به سال گذشته، افزایش سه‌برابری داشته که این امر از طریق ابزارهایی نظیر اوراق خزانه اسلامی، اوراق مشارکت نفت، اوراق مشارکت دولت، شهرداری‌ها و بانک‌ها، سلف‌های موازی و عرضه‌های اولیه انجام شده است. همچنین تاکید بر اجرای پروژه اصلاح نظام بانکی، به عنوان اولویت اقتصادی در سال جاری، با وجود حذف بخشی از آن در بودجه سال جاری، نشان می‌دهد دولت برای تغییر ترکیب تأمین مالی که درحال حاضر ۸۰ درصد در دو ش نظام بانکی است، برنامه دارد. وجود یک بازار بدهی منسجم و نظام‌مند می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت تأمین مالی صنایع ایفا کرده و گامی باشد برای نیل به اقتصادی تولیدمحور و درون‌زا.

| عنوان شاخص                 | مقدار          | تغییر          |
|----------------------------|----------------|----------------|
| <b>کل</b>                  | <b>۷۸۰۴۴۴</b>  | <b>۲۴۰،۹۶+</b> |
| <b>شاخص قیمت</b>           | <b>۲۹۴۵۶۸</b>  | <b>۹۰،۹۸+</b>  |
| <b>شاخص کل (وزن‌دار)</b>   | <b>۱۳۷۶۸۲</b>  | <b>۲۵۵+</b>    |
| <b>شاخص قیمت (وزن‌دار)</b> | <b>۱۱۵۱۴۷</b>  | <b>۲۱،۳۰+</b>  |
| <b>آزاد شاور</b>           | <b>۸۷۲۷۷،۹</b> | <b>۲۷۹،۱۳+</b> |
| <b>۵۰ شرکت بزرگ</b>        | <b>۳۱۳۵۷</b>   | <b>۱۲،۲۰+</b>  |

## طلا و ارز

## بی‌توجهی دلار به وعده تازه وزیر

**●** **شرق:** خبر تکرخی‌شدن ارز که تاکنون چندین‌بار از سوی مسئولان اعلام شده، دیروز برای چندمین‌بار توسط وزیر اقتصاد اعلام شد. او گفت ارز از نیمه دوم سال تکرخی می‌شود. هربار که این خبر اعلام می‌شد دلار تکانی قابل‌توجه می‌خورد اما دیروز هیچ واکنشی به این خبر نشان نداد و فقط پنج‌تومان نسبت به روز دوشنبه ارزان‌تر شد. در بازار طلا اما ریزش قیمت‌ها شدید بود. دیروز سکه‌های طرح جدید و قدیم هر یک پنج‌هزارتومان ارزان شدند و باقی سکه‌ها نیز ریزش ناچیزی را تجربه کردند. این ریزش در پی افت ۱۰۰۵ دلاری قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی بود. برخی از کارشناسان معتقدند طلا پتانسیل رسیدن به هزار و ۴۰۰ دلار را دارد. بااین‌همه تازه‌ترین تحلیل اینوستینگ نشان می‌دهد انتشار آمارهای اشتغال آمریکا در ماه آوریل و روشن‌شدن وضعیت بازار کار و نرخ بی‌کاری تأثیر زیادی بر نوسانات ارزش دلار و قیمت طلا در روزهای آینده خواهد داشت.

| ارز                | قیمت (میلان) | تغییر      |
|--------------------|--------------|------------|
| <b>دلار آمریکا</b> | <b>۳۴۵۵</b>  | <b>۵-</b>  |
| <b>یورو</b>        | <b>۳۹۹۰</b>  | <b>۲۰+</b> |
| <b>پوند</b>        | <b>۵۰۹۸</b>  | <b>۲۰+</b> |
| <b>درهم</b>        | <b>۹۴۴</b>   | <b>۲-</b>  |

| طلا و سکه          | قیمت           | تغییر        |
|--------------------|----------------|--------------|
| <b>طرح جدید</b>    | <b>۱۰۴۱۰۰۰</b> | <b>۵۰۰۰-</b> |
| <b>طرح قدیم</b>    | <b>۱۰۴۱۰۰۰</b> | <b>۵۰۰۰-</b> |
| <b>نیم</b>         | <b>۵۳۸۰۰۰</b>  | <b>۲۰۰۰-</b> |
| <b>ربع</b>         | <b>۲۹۳۰۰۰</b>  | <b>-</b>     |
| <b>گرمی</b>        | <b>۱۹۹۰۰۰</b>  | <b>۱۰۰۰-</b> |
| <b>گرم ۱۸ عیار</b> | <b>۱۰۶۷۰۰۰</b> | <b>۵۰۰-</b>  |
| <b>اونس (دلار)</b> | <b>۱۲۸۶۰،۴</b> | <b>۱۰۵-</b>  |

**اثر بازدارنده اقتصاد غیررسمی**

**بر رشد اقتصادی در ایران**

**علی عرب‌مازار، عضو**

**هیأت علمی دانشکده اقتصاد**

**دانشگاه علامه‌طباطبایی**

همین چند روز پیش در فضای مجازی، عکس‌هایی منتشر شد که مسیر پرتردد کلاهای قاچاق در یکی از استان‌های مرزی را نشان می‌داد، درحالی‌که نیروهای مسئول که قاعدا باید مانعی برای این اتفاق باشند، نظاره‌گر حرکت و تردد آنها بودند. آیا این نگرش، نگرش درستی است؟

از واژه اقتصاد غیررسمی، تعاریف مختلفی ارائه و همین‌طور نام‌های متعددی برای آن انتخاب شده است. اقتصاد زیرزمینی، سیاه، موازی، پنهان، سایه و... اگر ملاک، مانع‌زدایی در حساب‌های ملی باشد، می‌توانیم اقتصاد غیررسمی را شامل فعالیت‌های اقتصادی در چهار بخش خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی بدانیم. بخش خانوار یعنی تولیداتی که در خانواده تولید شده و به مصرف می‌رسد و به بازار ارائه نمی‌شود و چون بازاری نمی‌شود، در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شود. بخش غیررسمی به فعالیت‌های اقتصادی در بنگاه‌های کوچک زیر پنج نفر گفته می‌شود که چون کوچک است، در حساب‌های ملی احتساب نمی‌شود. بخش نامنظم شامل بخش‌هایی است که ماهیت قانونی دارد، اما فعالان اقتصادی آن را به‌صورت غیرقانونی انجام می‌دهند و مجوزهای لازم را کسب نمی‌کنند یا برای فرار از مالیات و عوارض و بیمه‌های اجتماعی، آن را به‌صورت پنهان انجام می‌دهند. بخش غیرقانونی آن مجموعه از فعالیت‌های غیرقانونی است که ماهیتاً هم غیرقانونی است، مثل قاچاق کالا، مواد مخدر و مشروبات الکلی. در مباحثی که به اقتصاد غیررسمی می‌پردازد، منظور از اقتصاد غیررسمی، فعالیت‌هایی است که در بخش نامنظم و غیرقانونی صورت می‌گیرد.

در استانداردهای جدید حساب‌های ملی در سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸، با این تغییر رویه مواجهیم که نظام‌های آماری کشورها مکلف شدند فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را درون محاسبات آماری خود بگنجانند و برآوردی از میزان آن ارائه دهند. زیرا تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بدون داشتن اطلاعات کامل در این حوزه‌ها عملا با شکست مواجه می‌شود، به‌ویژه در کشورهایی که حجم فعالیت‌های غیررسمی در آن بالاست. با این چارچوب مفهومی، برآوردهایی که از فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی در سطح جهان از سوی آشنایند، اقتصاددان اتریشی از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۵ ارائه شده است را بازگو می‌کنم. این آمار، در اغلب کشورهای درحال‌توسعه آفریقا، برای فعالیت‌های غیررسمی نسبت به تولید ناخالص داخلی، عددی بین ۱۱ تا ۲۳ درصد را برآورد می‌کند. این آمارها برای آمریکای مرکزی و جنوبی، ۴۱ تا ۴۲ درصد، آسیا ۲۸،۵ تا ۳۰ درصد، کشورهای درحال‌گذار کشورهای سوسیالیستی که تغییر نظام داده‌اند) ۳۸ تا ۴۰ درصد، کشورهای بسیار توسعه‌یافته عضو OECD از ۱۴ تا ۱۷ درصد، جزایر جنوب غربی باسفیک حدود ۳۰ درصد، کشورهای کمونیستی ۱۹،۸ تا ۲۲ درصد و از طیف ۱۴۵ کشوری که اندازه‌گیری کرده، میانگین ۲۳ تا ۳۴ درصد برآورد کرده است. این ارقام، اعداد بزرگی است

که اگر در محاسبات به حساب نیاید، انحراف اساسی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را به همراه خواهد داشت. برآوردها از اقتصاد غیررسمی ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی در این آمار، رنجی بین ۱۸ تا ۲۳ درصد را نشان می‌دهد. بنابراین برخی از قضاوت‌هایی که در مورد حجم بسیار گسترده اقتصاد غیررسمی در کشور ارائه می‌شود، به نظر می‌رسد قدری ناشی از تفاوت تعریف یا روش‌های اندازه‌گیری و مشکلات برآورد تخمینی است. مطالعات ایرانی نیز نشان می‌دهد که اگر در محاسبات به حساب نیاید، انحراف اساسی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را به همراه خواهد داشت. برآوردها از اقتصاد غیررسمی ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی در این آمار، رنجی بین ۱۸ تا ۲۳ درصد بوده است. امروزه رشد ایران شده است که یک گلوگاه اصلی برای توسعه‌یافتگی کشورها، حاکمیت قانون است. نورث و همکارانش نشان می‌دهند برای ورود به دالان توسعه‌یافتگی، سه شرط باید محقق شود. حاکمیت قانون، ایجاد سازمان‌های دائمی و کنترل سیاسی بر نیروهای غیر سیاسی. برای تحقق این شروط، شرط پایه، همان گسترش حاکمیت قانون است. گسترش فعالیت‌های غیررسمی قطعا حاکمیت قانون را کاهش می‌دهد. به لحاظ نظری گسترش اقتصاد غیررسمی از آنجا که بخشی از عوامل تولید را از فعالیت‌های رسمی به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق می‌دهد، به افول اقتصاد رسمی و کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. در این صورت درآمدهای مالیاتی دولت افت‌یافته و به‌تبع آن امکان ارائه خدمات عمومی توسط دولت بیشتر می‌شود. مخالفان می‌گویند نوسانات رشد اقتصادی بیانگر فراز و فرود (رونق و رکود) کسب‌وکار (رسمی و غیررسمی) است. باید شاهد هم‌حرکتی بین این دو فعالیت باشیم. مقایسه روند اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی و رشد اقتصادی در مطالعات تجربی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد، ضریب همبستگی بین این دو منفی ۰،۲۸ درصد بوده است. در واقع از آن می‌توان برداشت کرد که اثر اقتصاد غیررسمی بر رشد اقتصادی بازدارنده است، بنابراین حتی اگر مطالعات نظری در این زمینه سردرگم است، بنا بر مطالعات تجربی در ایران، باید از گسترش فعالیت‌های غیررسمی جلوگیری کنیم.

**ادامه در صفحه ۵**